

اما در مورد شوراهای، آیا حزب الگوی تعریف شده تری دارد. بله. تا امروز ما در باره شوراهای و خصوصیات آنها زیاد صحبت کرده‌ایم. در مورد ساختمان سیستم شوراهای کارگری این نکات را میتوان برجسته کرد:

- ۱- شورای پایه، مجمع عمومی کارگران یک واحد و یا قسمت هائی از یک واحد (بزرگتر) تولیدی و اقتصادی است. هر کارگری، نه به اعتبار دریافت کارت عضویت و پرداخت حق عضویت، بلکه به اعتبار کارگر بودن، عضو مستقیم و صاحب رای شورا است.
- ۲- شورا از یک ساختمان منطقه‌ای تبعیت میکند، و نه رشته‌ای یا صنفی. یعنی شورای بالاتر، شورای نمایندگان شوراهای پایه در یک منطقه تعریف شده است. این ساختمان هرمی تا تشکیل شورای سراسری بسط مییابد.
- ۳- نمایندگان شوراها در شوراهای بالاتر، هر زمان که انتخاب کنندگان آنها بخواهند، عزل و فراخوانده میشوند.
- ۴- مجمع عمومی در هر سطح، از شورای پایه تا شورای نمایندگان، عالیترین مرجع تصمیم‌گیری هر شورا است. مجمع عمومی واحدها و مسئولین اجرایی خود را برای انجام وظیفه در فاصله نشست‌های خود تعیین میکند. این مقامات نیز در هر زمان توسط مجمع عمومی قابل عزل و تغییر خواهند بود.
- ۵- اساسنامه و موازین شوراهای آنها را به مبارزه اقتصادی محدود نمیکنند. شوراهای خود را مجاز میدانند در هر مسئله اجتماعی، سیاسی و اداری در حوزه تحت پوشش خود دخالت کنند و در قبال هر

مسئله‌ای که لازم بدانند در این حیثه دست به اقدام اعتراضی کارگری بزنند.

۶- شوراهای کارگری میتوانند سایر تشکلهای کارگری را چه در سطح محلی و چه در سطح سراسری به خود متصل و ملحق کنند. موازین این الحاق و اتحاد را بسته به مورد خود شوراها تعیین خواهند کرد.

این نکات تصویر کلی‌ای از ساختمان یک سیستم شورائی بدست مینهد. اما موازین عملی تر و کنکرت تر را خود جنبش در سیر حرکت خود تعریف خواهد کرد. دامنه عمل واقعی شوراها در تحلیل نهائی تابع تناسب قوای طبقاتی خواهد بود. هیچ مقررات و اساسنامه از پیشی‌ای این دامنه عمل شوراها را نباید محدود کند.

در مورد جنبش شورائی و شوراها باید یک نکته را اضافه کنم که برای توضیح اساس موضع حزبی لازم است. کارگر در جامعه سرمایه‌داری هم باید بتواند از حقوق جاری و روزمره خود دفاع کند و اوضاع خود را بعنوان فروشنده نیروی کار بهبود بدهد، و هم باید انقلاب خود علیه سرمایه‌داری را سازمان بدهد و خود را برای بدست گرفتن قدرت، حکومت کردن و درهم شکستن پایه های قدرت طبقات استثمارگر آماده کند. تا آنجائی که چپ اصولاً برای تشکلهای توده‌ای کارگری نقشی قائل بوده، معمولاً نقش اول را به اتحادیه‌ها و نقش دوم را به شوراها محول کرده است. این تصور قطعاً به سیر رویداد های تاکنونی در جنبش کارگری مربوط میشود. دوره های غیر انقلابی شاهد فعالیت اتحادیه‌ها و غیبت شوراها بوده است و در دوره های انقلابی نقش شوراها برجسته شده است. اما این یک قاعده از پیشی نیست. اتحادیه‌ها و شوراها

الگو هائی نیستند که کارگران بنا بر یک تصمیم و طرح از پیش معلوم در دوره انقلابی به یکی و در دوره های رکود به دیگری متوسل شوند. شورا و اتحادیه همانطور که گفتم دو افق سیاسی و مبارزاتی مختلف را نمایندگی میکنند که در دوره های متفاوت تقویت و تضعیف میشوند. در غیر اینصورت اتحادیه ها میبایست در شرایط انقلابی قاعدتا به نفع شوراها کنار بروند و شوراها در شرایط رکود رسماً خود را به نفع اتحادیه ها منحل کنند. واقعیت اینست که چنین فرار و مدار و قانونمندی‌ای وجود ندارد. اتحادیه ها در شرایط انقلابی باقی میمانند و برای حفظ و گسترش نفوذ خود میکوشند و تا آنجا که تاریخ انقلابات گواه بوده است در این شرایط رقابت میان جنبش شورائی، یا کمیته های کارخانه، با اتحادیه ها بر سر رهبری جنبش کارگری بالا میگردد. شوراها به سهم خود با اوجگیری ضد انقلاب در برابر انحلال و تعطیل خود مقاومت میکنند. بنابراین رابطه شورا و سندیکا با دوره بندی های سیاسی در جامعه، یک رابطه تثوریک نیست و یک دستورالعمل قراردادی ندارد. سوالی که به این ترتیب پیش می‌آید اینست که آیا جنبش شورائی و شوراها میتوانند خود را با نیازهای مبارزه کارگری در یک دوره غیر انقلابی تطبیق بدهند - همانطور که اتحادیه ها میکوشند تا در دوره انقلابی خود را با واقعیات جدید دمساز کنند. بنظر ما این امکان وجود دارد. شوراها به فعالیت در محدوده دوره های انقلابی محکوم نیستند. کارگران میتوانند از شوراها بعنوان ابزار دفاع از منافع خود بعنوان فروشندگان نیروی کار استفاده کنند. در مورد ایران معتقدیم نه فقط این امکان وجود دارد، بلکه فقدان یک جنبش اتحادیه‌ای جدی و فقدان زمینه های اجتماعی و سیاسی مساعد به حال

تریدیوئیونیسم در ایران، جنبش شورائی را به پرکردن این خلا موظف میکنند، و این جنبش برای انجام این وظیفه در ایران امروز زمینه ها و پایه های مادی مناسبی دارد. شک نیست که جنبش شورائی در چنین شرایطی به تمام افق مبارزاتی خود دست پیدا نمیکند. شک نیست که جنبش شورائی در مراحل اولیه از محدودیت های زیادی برخوردار خواهد بود. به همین دلیل ما در وهله اول، بعنوان گام اول، از جنبش مجامع عمومی سخن میگوئیم. این جنبشی برای شکل دادن به شوراهای پایه و ایجاد نوعی رابطه بالفعل و غیر رسمی میان آنهاست که در مراحل بعدی ایجاد شوراهای عالیتر را ممکن میکند.

باین ترتیب جنبش مجمع عمومی هم یک پاسخ در خود و مستقل به نیازهای مبارزات جاری است و هم یک سنگ بنای اساسی برای جنبش شورائی در کل. طرفداران اشکال دیگر سازمانهایی توده‌ای کارگران، مثلا مدافعان سندیکاها رزمنده، میتوانند و محق خواهند بود که جنبش مجامع عمومی را پایه پیشروی های بعدی خود در جهت ایجاد سندیکاها تلقی کنند. ما نه فقط ایرادی در این مسئله نمی بینیم، بلکه فکر میکنیم اگر این درجه همسوئی میان جناحهای رزمنده جنبش کارگری، مستقل از دورنمای دراز مدت تر آنها، وجود داشته باشد، جنبش مجمع عمومی و به تبع آن، مبارزات جاری کارگری با سرعت بیشتری رشد خواهد کرد. اما به سهم خود مطمئنیم که جنبش مجامع عمومی تناسب بیشتری با شکل گیری بعدی شبکه شوراهای کارگری خواهد داشت تا اتحادیه ها و نیز تضمینی خواهد بود برای اتکاء بیشتر تشکلهای توده‌ای کارگری در آینده، از هر نوع که باشند، به دموکراسی مستقیم کارگری.

س: ما تا حال در باره شورا بعنوان نوعی تشکل  
صحبت میکردیم اما در این قطعهنامه بوضوح از "جنبش مجمع  
عمومی" صحبت میشود. منظور از جنبش مجمع عمومی  
چیست؟ این جنبش با چه خصوصیات مشخص میشود بجز یک  
شکل معین از تشکل چه هدفی را تعقیب میکند و قرار  
است بکجا برسد؟

ج: تہلیفات ما در باره مجمع عمومی تا بحال معطوف به توضیح  
مطلوبیت و کارائی مجمع عمومی، بعنوان یک ظرف مبارزاتی، برای  
کارگران بوده است. آنچه ما امروز میگوئیم اینست که باید از یک  
جنبش مجمع عمومی سخن گفت. دوره هائی در تاریخ مبارزات کارگری  
وجود دارد که با آنها گرفتن جنبشهای معینی تعریف میشود. مثلا جنبش  
کمته های کارخانه در روسیه، جنبش سندیکائی در اوائل قرن در ایران،  
و یا جنبش شورائی در طول انقلاب ۵۷، جنبش کنترل کارگری و غیره.  
فرق تبلیغ مجمع عمومی بعنوان یک ارگان مفید با تلاش در ایجاد یک  
جنبش مجمع عمومی در این است که در این مورد اخیر ما میخواهیم مبارزه  
برای برپائی این مجمع به قطب نمای حرکت و عامل خصلت نمای یک  
دوره مبارزات کارگری تبدیل بشود. مبارزات کارگری باید با جنبش  
مجمع عمومی جوش بخورد، هر چه بیشتر این ارگانها تشکیل بشوند، قوام  
بگیرند و در اعتراضات کارگری نقش محوری پیدا کنند. جنبش مجمع  
عمومی پاسخ فوری و عملی ما به سازماندهی اعتراضات توده‌ای کارگران در  
دوره کنونی است. شوراها و جنبش تمام عیار شورائی تنها میتواند  
حاصل درجه‌ای از پیشرفت جنبش مجمع عمومی باشد.

ما ایده مجمع عمومی را بسیار پیش از این طرح کرده‌ایم. در آن زمان کل چپ روشنفکری و کلیشه‌ای خلقی این ایده را ذهنی و غریب نامید. چند سال مبارزه کارگران ایران معلوم کرد که آنچه ذهنی و غریب است نحوه تفکر سوسیالیسم خلقی ایران در باره جنبش توده‌ای کارگری است. نه فقط کارگران عملاً بطور روز افزونی این مجمع را تشکیل دادند و در مبارزه خود به آنها متکی شدند، بلکه شعار و ایده مجمع عمومی جای خود را در ذهنیت کارگر آگاه و پیشرو ایران باز کرد. امروز خوشبختانه خیلی‌ها صحت ایده مجمع عمومی را پذیرفته‌اند و یا به آن تسلیم شده‌اند. ما می‌گوئیم کارگران کمونیست باید فعالین جنبش مجمع عمومی باشند، چرا که این تنها راه واقعی برای سازماندهی کارگران در مقیاس وسیع و برای پر کردن خلاء کار سازمانیافته توده‌ای - علنی کارگری است. چپ خلقی و روشنفکری میتواند از این مسئله صرفنظر کند، میتوانند این مشغله ما را اکونومیسم بخوانند، همه چیز را به بعد از سرنگونی رژیم اسلامی حواله بدهند. امثال اکثریت و حزب توده میتوانند به شوراهای اسلامی بپیوندند و بعد هم سرخود نماینده ندیده و نشناخته کارگران ایران (!) را به کتگه هجدهم اتحادیه‌های شغلی به اتحاد شوروی بفرستند! سندیکالیست‌های سنتی میتوانند منتظر شرایطی بشوند که دولت اسلامی اجازه تشکیل اتحادیه به آنها بدهد و سندیکالیست‌های "مخفی" میتوانند فعلاً از سازماندهی عمل توده‌ای کارگران چشم پوشی کنند. برای ما مسئله بنحو دیگری مطرح است. ما معتقدیم هم کمونیسم و ایده‌های اساسی جنبش شورائی، و هم تجربه جاری کارگران ایران در مبارزات چند ساله اخیر روش مبارزه توده‌ای کارگری در دل همین شرایط اختناق را بدست داده است.

انسان باید فقط چشمش را باز کند و آن را ببیند. این روش برپا کردن جنبش مجامع عمومی کارگری است. مبارزه توده صدها هزار نفری کارگران تحت هیچ شرایطی نمیتواند مخفی باشد. رهبری سراسری کارگران میتواند مخفی باشد، اما ابراز وجود توده کارگران که مستلزم دخالت مستمر رهبران عملی و علنی و تشکیل تجمعات گوناگون کارگران است، نمیتواند در بعد علنی صورت نگیرد. حزب کارگران باید راه واقعی و عملی برای سازماندهی عمل توده کارگران را نشان بدهد. جنبش مجمع عمومی این راه واقعی است.

س: در قطعنامه فقط چند وظیفه برای فعالین جنبش مجمع عمومی برشمرده شده است آیا میتوانید یک تصویر ملموس تر و همه جانبه تری از چهره فعال این جنبش بدست بدهید؟ برای اینکه بتوان رهبران خوب و خستگی ناپذیری برای این جنبش تربیت کرد باید آموزش و تبلیغ چه مقولات و موضوعات دیگر را علاوه بر اهداف مستقیم خود این جنبش در دستور گذاشت؟

ج: در این باره باید مفصل و مکرر صحبت کرد. من از این فرصت برای اشاره به چند نکته استفاده میکنم. فعال جنبش مجمع عمومی کسی است که نه از یک ایده آل مجرد در باره مجمع عمومی، بلکه از مبارزات جاری کارگران حرکت میکند. بحث شورا و سندیکا در درون چپ هر چه باشد، اعتراض کارگری هم اکنون جریان دارد و سازمان مناسب، رهبری مناسب و دورنمای پیشروی فوری خود را طلب

میکنند. اگر خود را بجای اینکه "مومنین به شورا" در نظر بگیریم، کارگر پیشرویی بدانیم که باید به مسئله سازماندهی اعتراضات معین در واحد های معین پاسخ بدهد، آنوقت ارزش مبارزه برای تشکیل مجامع عمومی و ایفای نقش آنها را بهتر درک میکنیم. فعال مجمع عمومی کسی است که در اعتراضات جاری کارگران را به استفاده از مجمع عمومی بعنوان یک ارگان مبارزاتی موثر فرا میخواند. میکوشد تا این عمل در واحدهای هر چه بیشتری تکرار شود، میکوشد که این مجامع خصلت ادامه کارتری بخود بگیرند، با هم مرتبط شوند و به رهبری های اجرایی شکل بدهند. برای فعال مجمع عمومی انطباق مجامع با یک الگوی از پیشی آنقدر مسئله نیست که ایجاد آنها و گسترش نقش آنها. فعال مجمع عمومی کسی است که دائما از نفوذ خود بعنوان یک کارگر پیشرو برای متقاعد کردن کارگران و رهبران عملی برای اتکاء به این ارگان سود میجوید، نقاط قدرت آنها را به کارگران می‌شناساند، و تلاش میکند عناصر و محافل هر چه بیشتری از کارگران پیشرو را به یک حرکت هماهنگ برای برپائی این مجامع جلب کند. برای تربیت فعالین جنبش مجمع عمومی، حزب باید پیش از هر چیز روی رابطه این جنبش با مبارزات جاری تاکید کند. بنظر من رهبران و فعالین جنبش مجمع عمومی عمدتا از درون رهبران عملی جنبش اعتراضی موجود پیدا خواهند شد.

یکی از موضوعاتی که جزء لاینجزای تبلیغات ما باید باشد، توضیح این واقعیت است که حتی در دل اختناق میتوان کار علمی و توده‌ای کارگری را سازمان داد. روابط پنهانی کارگران پیشرو، روابط حزبی و مخفی کارگران کمونیست به تنهایی برای سازماندهی مبارزات جاری کافی نیست. حیاتی است، اما کافی نیست. اگر امکان اعتراض دستجمعی



را از کارگران بگیرید، هیچ چیز از جنبش کارگری باقی نمی‌ماند. کسبه می‌توانند به فتوای غیابی فلان مرجع یک روز چهارشنبه همگی دکانهایشان را تعطیل کنند. کارگر در مبارزه نیازمند تجمع فیزیکی و اعمال قدرت دستجمعی است. تنها به این شکل کارگران احساس قدرت میکنند، تنها به این شکل کارگران پیشرو می‌توانند نقش خودشان را در رهبری صف کارگران بازی کنند. بنابراین ایده‌های متکی به مراکز غیبی و تبعیت اتم‌های کارگری از آن را باید کنار گذاشت. باید امکان مبارزه دستجمعی و دوشادوش کارگران را ایجاد کرد. کسی که می‌گوید اختناق نمیگذارد، باید پرود خانه و استراحت کند. ما می‌گوئیم مجمع عمومی ظرف امتحان پس داده این مبارزه است. تبلیغات ما باید اعتماد به مجمع عمومی و قدرت آنها را افزایش بدهد.

س: و بالاخره در پایان می‌توانید کمی در باره رابطه حزب یا فعالین حزبی با این تشکلهای توده‌ای و مشکلاتی که ممکن است در عمل برای آنها بوجود بیاید صحبت کنید؟

ج: پاسخ جامع به این سوال هم تنها می‌تواند به آینده و به سیر عملی فعالیت ما موکول بشود. بسیاری از سوالهای پراتیک هنوز بطور جدی طرح نشده‌اند. بنابراین اینجا صرفاً به برخی جوانب کلی مسئله اشاره می‌کنم. بطور واقعی ما با این مسائل روبروئیم: تثبیت و آموزش ایده شوراهای، براه انداختن یک جنبش واقعی مجمع عمومی و برقراری یک رابطه سالم و خلاق با مدافعان سایر اشکال تشکلهای توده‌ای. در مورد

اولی نکته پیچیده‌ای وجود ندارد. ما باید حقانیت شوراها و اصولیت جنبش شورائی را مداوما و بطور زنده، با ارجاع به خصوصیات بنیادی شورا (سازمانیابی حداکثر نیروی توده‌ای کارگران، میدان دادن به رهبران عملی وارد و آشنای کارگری، دموکراسی مستقیم، آمادگی برای کسب قدرت و غیره) توضیح بدهیم. در مورد نکته دوم، جنبش مجمع عمومی، قبلا صحبت کردم. باید از لاک تبلیغی صرف بیرون آمد و دست بکار برپا کردن، گسترش دادن و به هم مرتبط کردن آنها شد. فقط این نکته را اضافه و تاکید میکنم. همانطور که گفتم جنبش مجمع عمومی جنبشی برای ممکن کردن عمل توده‌ای و وسیع کارگران است. اما این به آن معنی نیست که این جنبش تماما به یک فعل و انفعال علنی و توده‌ای متکی است. کارگران کمونیست و فعالین این جنبش باید روابط نزدیک تر و از لحاظ اجرایی مخفی خود را برای هدایت این جنبش سازمان بدهند. پشت سر جنبش مجمع عمومی، شبکه‌های بهم مرتبط کانونها و محافل کارگری و سازمانهای حزبی کارگران پیشرو قرار دارد. در باره جوانب مختلف تفریق کار مخفی با فعالیت علنی و توده‌ای قبلا صحبت کرده‌ایم (رجوع کنید به مقالات مختلف نشریه کمونیست در باره آرژانتورها، سیاست سازماندهی حزب و غیره). فقط تاکید میکنم که این فعالیت مخفی برای موفقیت جنبش مجمع عمومی و هدایت اعتراضات کارگری از طریق مجامع عمومی حیاتی است.

در مورد نکته آخر، یعنی رابطه ما با مدافعان سایر اشکال سازماندهی توده‌ای، نظیر سندیکاها و غیره، باید رفقا را به بحثهای قبلی حزب در نقد سکتاریسم ارجاع بدهم. ما متعلق به طیف کارگران کمونیست و رادیکال و عنصر سازمانده و فعال این طیف هستیم. رابطه

درونی این طیف با خود و رابطه آن با سایر گرایش‌ها درون طبقه کارگر، رابطه‌ای مبتنی بر درک منافع بنیادی کل طبقه ماست که اتحاد و تقویت صف کارگران در مبارزه علیه بورژوازی محور اساسی آن است. ما نظرات خود، سیاست‌های خود و آلترناتیو‌های خود را با حرارت تمام تبلیغ می‌کنیم و میکوشیم به نظر و سیاست بخش هرچه وسیعتری از کارگران و رهبران و محافل پیشرو آنها تبدیل شود. اما در همان حال هرجا حرکتی در جریان است که ابزاری برای مبارزه کارگران بسازد، بر اتحاد آنها، ولو در یک بخش، بیافزاید، حقی از حقوق انکار شده کارگران را بگیرد، خود ما اولین کسانی هستیم که آستین بالا می‌زنیم و در این حرکت شرکت می‌کنیم. هیچ تلاش کارگری نیست که ما به سرنوشت آن بی‌اعتنا باشیم. ما آلترناتیو خود را با شرکت بخش هر چه بیشتری از کارگران پیشرو و مبارز می‌سازیم، ما ارجحیت سیاست عملی خود را همیشه و در هر شرایطی توضیح می‌دهیم، اما در عین حال عنصر فعال هر سنگر بندی واقعی کارگران خواهیم بود. مهم تشخیص حرکت‌های اصیل کارگران برای اتحاد و مبارزه (در هر شکل) از حرکت‌های غیر واقعی، تخیلی و یا مضر بحال مبارزه کارگری است. تشخیص این مسئله در هر مورد، برای کمونیست و کارگر پیشروی‌ای که از نزدیک با حرکات کارگری در تماس باشد و منافع کل طبقه را مد نظر قرار داده باشد دشوار نیست. مشروط بر اینکه فعالین ما در هر مورد معین یا حساسیت و دلسوزی لازم این حرکات را مطالعه و تحلیل کنند.

سیاست ما دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و بسط جنبش شورائی است. سیاست ما تضعیف تلاش‌های گرایش‌ها دیگر برای ایجاد سندیکاها

و تشکلهای توده‌ای دیگر نیست. امید ما اینست که با تلاش ما جنبش مجمع عمومی و جنبش شورائی بخش هر چه بیشتری از نیروهای طبقه کارگر برای متشکل شدن و متحد شدن را بخود کانالیزه کند.

به نقل از نشریه کمونیست، شماره ۲۷

اسفند ماه ۱۳۶۶



✦ پستی سوسیالیسم، دوره دوم، شماره اول، شهریور ماه ۱۳۶۳

- در نقد وحدت کمونیستی: نگاهی به آناتومی لیبرالیسم چپ در ایران (قسمت اول)، منصور حکمت
- نکاتی در باره منهب و شیوه برخورد به آن، حمید تقوایی
- تشکیل حزب کمونیست، افشاگر چهره بورژوازی اقلیت، شعیب زکریایی
- پوپولیسم انترناسیونال سوم، سیامک ستوده
- اصول و شیوه های رهبری کمونیستی

✦ پستی سوسیالیسم، دوره دوم، شماره دوم، آذر ماه ۱۳۶۴

- دولت در دوره های انقلابی، منصور حکمت
- نقدی بر پلاتفرم سیاسی حزب کمونیست انترناسیونالیست، حمید تقوایی
- در نقد وحدت کمونیستی: آناتومی لیبرالیسم چپ (قسمت دوم)، منصور حکمت
- مروری بر اعتصابات معدنچیان انگلستان، فرهاد بشارت
- شیوه اقلیت در مبارزه ایدئولوژیک، ایرج آذرین
- درباره کار مولد و غیر مولد، ترجمه ای از مارکس

✦ مارکسیسم و مساله شوروی، بولتن نظرات و مباحثات شماره ۱،  
ضمیمه پستی سوسیالیسم، اسفند ماه ۱۳۶۴

- زمینه های انحراف و شکست انقلاب پرولتری در شوروی (گزیده ای از یک سمینار درون حزبی)

- تروتسکی و نقد متاسبات و دولت حاکم در شوروی، فرهاد بشارت
- نظری به کتاب تونی کلیف "سرمایه‌داری دولتی در شوروی"، جواد مشکی
- پس از سرمایه‌داری، آنگاه چه؟، پیل سوئیزی
- خصوصیت سرمایه‌داری شوروی، شارل بتلهایم
- در حاشیه مباحثات سوئیزی و بتلهایم، منصور حکمت
- سرمایه‌داری شوروی و میاحنه اخیر سوئیزی - بتلهایم، ایرج آذرین
- سرمایه‌داری در شوروی، سیامک ستوده
- تزهایی درباره‌اقتصاد ساختمان سوسیالیسم در یک کشور، داریوش نویدی
- سوسیالیسم در یک کشور، ای.اچ.کار
- مختصری درباره‌اپوزیسیون درونی حزب بلشویک در دهه ۲۰، غلام کشاورز
- اسناد:

● پلاتفرم ۴۶ نفر به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه

● بیانیه ۱۳ نفر به اعضای کمیته مرکزی

و کمیسیون کنترل مرکزی حزب

● بیانیه ۸۳ نفر

● درباره‌اپوزیسیون جدید

● درباره‌اپوزیسیون متحد (قرار پانزدهمین کنگره

حزب کمونیست شوروی ۲۰ - ۱۹ دسامبر ۱۹۲۷)

● درباره‌اپوزیسیون بوخارینستی (قطعنامه جلسه مشترک دفتر سیاسی

کمیته مرکزی، هیات رئیسه کمیسیون کنترل مرکزی در مورد مسائل

درون حزبی، ۹ فوریه ۱۹۲۹)

● مارکسیسم و مساله شوروی، بولتن نظرات و مباحثات شماره ۲

ضمیمه هموی سوسیالیسم، آبانماه ۱۳۶۵

- مسائل گرهی در تحلیل شکست پرولتاریا در شوروی

- (یک مناظره درون حزبی)، غلام کشاورز، منصور حکمت، پرویز، پ.پ.
- سوسیالیسم و تحلیل از شوروی (برای رسیدن به سوسیالیسم به یک تحلیل مارکسیستی - لنینیستی از شوروی نیازمندیم). سازمان ایجاد حزب کارگری مارکسیست - لنینیست (آمریکا)
- یادداشتی بر "سوسیالیسم و تحلیل از شوروی"، ایرج آذرین
- معرفی مختصر تپ (سیاست اقتصادی نوین در شوروی (۱۹۲۹ - ۱۹۲۱))،  
تسرین جلالی
- درباره چند ارزیابی از تپ، ایرج فرزاد
- بررسی انتقادی سیاست اقتصادی بلشویکها، ۱۹۲۳ - ۱۹۱۸، صلاح ایزدی
- تزه‌های مقدماتی درباره مساله شوروی، حمید تقوایی
- ده تزد درباره قوانین اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه در حال گذار  
بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، ارنست مندل
- معضل شوروی و بن بست تروتسکیسم (نقدی بر تزه‌های مندل درباره  
جوامع در حال گذار)، حمید تقوایی
- در نقد سوسیالیسم عرفانی ("دوران گذار" بتلهایم)، ایرج آذرین
- بتلهایم و تجربه شوروی، رالف میلیبند
- توضیحی پیرامون مباحثات درونی حزب بلشویک (۱۹۲۹ - ۱۹۲۲)،  
جعفر رسا
- اسناد:

● بیانیه ۲۲ نفر به کنفرانس بین‌المللی انترناسیونال کمونیستی،

فوریه ۱۹۲۲

● بخشهایی از فراخوان گروه "حقیقت کارگری"، ۱۹۲۲

● قطعنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی در مورد خط مشی نوین،

۵ دسامبر ۱۹۲۲

● بخشهایی از نامه سرگشاده تروتسکی در مورد "خط مشی نوین"، دسامبر ۱۹۲۳

● بخشهایی از سخنرانی کامنف در چهاردهمین کنگره حزبی، دسامبر ۱۹۲۵



- بخشهایی از سخنرانی کامنف در پانزدهمین کنفرانس حزبی، نوامبر ۱۹۲۶
- بخشهایی از سخنرانی اختتامیه استالین در پانزدهمین کنفرانس حزبی، نوامبر ۱۹۲۶
- بخشهایی از سخنرانی زینوویف (گزارش اقلیت) در کنگره چهاردهم حزب کمونیست شوروی، دسامبر ۱۹۲۵
- بخشهایی از تزه‌های تروتسکی در مورد صنعتی شدن روسیه، مارس ۱۹۲۳
- بخشهایی از رساله "اقتصاد نوین" پراوتوبراژنسکی، ۱۹۲۶
- بخشهایی از سخنرانی استالین در دانشگاه سوردلف درباره بحران غله، مه ۱۹۲۸
- بخشهایی از گزارش کوئیپشیف به سازمان حزبی لنینگراد در مورد موقعیت اقتصادی اتحاد شوروی، سپتامبر ۱۹۲۸
- بخشهایی از رساله "یادداشت‌های یک اقتصاددان" بوخارین، سپتامبر ۱۹۲۸

● مارکسیسم و مساله شوروی، بولتن نظرات و مباحثات، شماره ۳، زمیعه بسوی سوسیالیسم، فروردین ماه ۱۳۶۷

- خطوط اصلی یک نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری در شوروی، منصور حکمت، ایرج آذرین
- جنبش کمته‌های کارخانه در روسیه (۱۸ - ۱۹۱۷)، نسرین جلالی
- پیشگفتاری بر نوشته رومن رازدالسکی، ایرج آذرین
- مارکس، درباره جامعه سوسیالیستی (حدود تاریخی قانون ارزش)، رومن رازدالسکی
- مقدمه، کتاب "دوران سرنوشت ساز یک انقلاب"، جعفر رسا
- نقدی بر مقاله رفیق ایزدی (پیرامون سیاستهای اقتصادی

- بلشویکها، ۱۹۲۳ - ۱۹۱۸)، فرید بارالسی
- سوسیالیسم در یک کشور (گذری بر تاریخ)، سیامک ستوده
  - در پاسخ به نظرات حکمت و آذرین پیرامون مباحثات سوئیزی و بتلهایم، اکبر نورائی
  - یکبار دیگر درباره سرمایه، مکان رقابت، و سرمایه داری دولتی (نقد یک پاسخ)، ایرج آذرین
  - روابط خارجی شوروی پس از انقلاب (۲۹ - ۱۹۱۷)، ای.اچ.کار
  - شوراها در انقلاب روسیه، جعفر رسا
  - اسناد:

- قرار درباره حقوق و وظایف شوراها (۶ ژانویه ۱۹۱۸)
- قرار درباره سازمان شوراهای ایالتی (۵ ژانویه ۱۹۱۸)
- دستورالعمل درباره سازماندهی شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان (۹ ژانویه ۱۹۱۸)
- بخشهای مربوط به مبانی و ساختار شوراها از قانون اساسی ۱۹۱۸
- بخشهایی از قانون اساسی ۱۹۲۴ اتحاد جماهیر شوروی

منتشر می‌شود

# بسوی سوسیالیسم

۴

نشریه تئوریک حزب کمونیست ایران

آبان ماه ۱۳۶۸

شماره چهارم

دوره دوم

## تفاوت‌های ما

گفتگو با منصور حکمت درباره کمونیسم کارگری

حزب کمونیست ایران منتشر میکند

# سازگاران و آپارقایید در آفریقای جنوبی



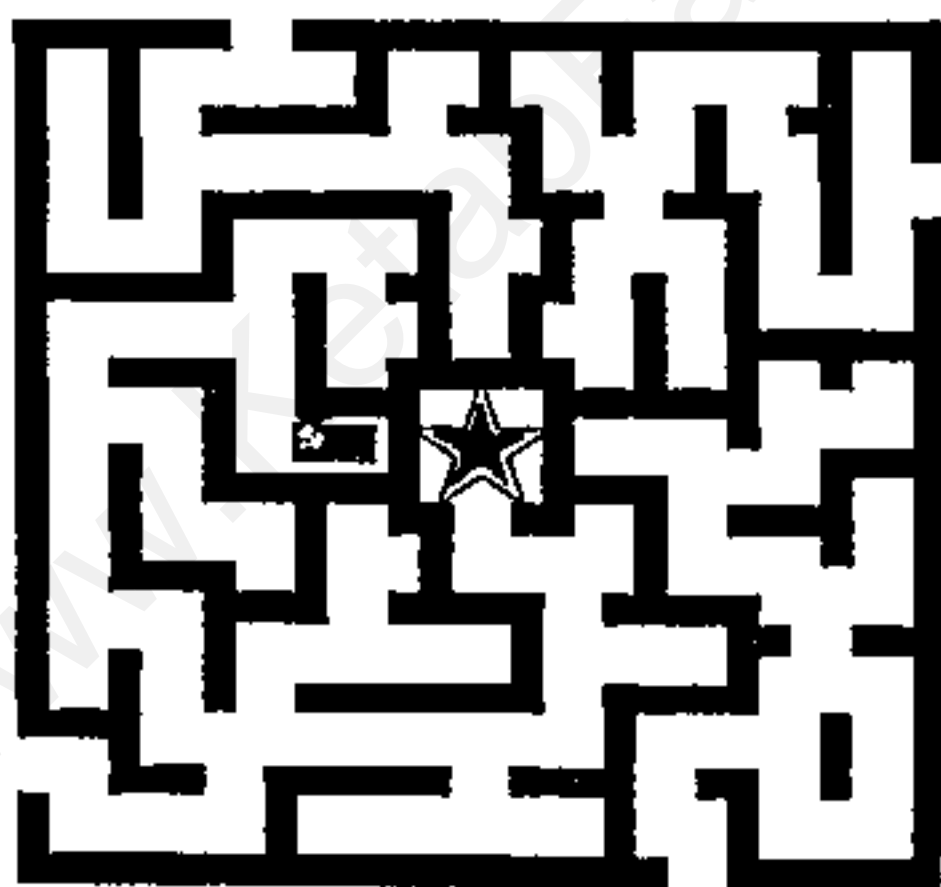
فرهاد بشارت

حزب کمونیست ایران منتشر کرده است

# دوران سرفوشت سازیک انقلاب

مروری بر مباحثات اقتصادی حزب بلشویک ۲۸-۱۹۲۴

جعفر رسا



انتشارات سامان منتشر کرده است

# فا سیوفا لیسم



در پوشش

کمونیسم



بررسی مورد آلبانی

جعفر رسا

برای مکاتبه مستقیم یا بسوی سوسیالهم از آدرس زیر استفاده کنید:

**BM SAMAN  
LONDON WC1N 3XX  
ENGLAND**

کارگران جهان متحد شوید!